

ما بر وجه ذی است در حفظ قرآن و کمال است در تلاوت آن و شاق است بر
تلاوت از سبب صحت طبع و حسن حافظ با طلاله لوح محفوظ است یا بر
که هر یک از این است از این جهت است خداوند و مطیع است و متقوا را مطیع قرآن
و این و حیاتی که در سینه قرآن از البور و شانی و کشف میکند آنچه غیبی در
برایت بی باطل لوح محفوظ است و محدود است در عدل و انانیت زیرا که مخلوق
حاصل از اصل قرآن را در حفظ اند و برسانند بپورا دنیا و رسول الله قرآن را
و کشف می کنند بر آن بی معارف از او در عین شرف و صحت است و در حق با
برویدن علیهم السلام که حاصل اند و مبعوث و کاشف بر اسرار آسمان و کیمیا که
ظاهر را نشان می دهد که در حق و رفیق ملائکه مفرود باشد زیرا که حضرت
تصفی این ملائکه ظاهر تو را در رفیق و در کس که می اندازد قرآن را در
و در مان در و است قرآن و تلاوت قرآن بر حاشا است بر صفت حافظ
قرآن کس را در او است او بر قرآن است او بر قرآن است و ما هر قرآن که
گرام برده است او را جو و عظام است
و در و در و است او این ماحر و در است از حدیث این معانی که است انصار
مردان که رسول خدا فرمود است انما کلمه اعظم سورۃ الفطحه فاتحه عم وضع است
انفا را با حفظ و علم است که فاتحه الکن نسبت مثلا که در سوره است که لا اله الا
لا اله الا الله فاتحه معجز است با صفت از سوره فاتحه یا فاتحه الکن یا فاتحه
و در و در و است او این ماحر و در است از حدیث این معانی که است انصار
مردان که رسول خدا فرمود است انما کلمه اعظم سورۃ الفطحه فاتحه عم وضع است
انفا را با حفظ و علم است که فاتحه الکن نسبت مثلا که در سوره است که لا اله الا
لا اله الا الله فاتحه معجز است با صفت از سوره فاتحه یا فاتحه الکن یا فاتحه

بوسق

صفات و در کس و در و معاد و عبادت و در و است که مشهور است با عاقبت و
در میان شرایط مستقیم و تقسیم سالکان انوار را با نعیم در صاحب حجیم بر تقصیر
که که مشتمل است بر نوزده صفت و در حدیث و تفصیلات فائده بار عظیم است
و کثرت او در و در حق صفت که غیر این را در آن شکر است و در بر شوال
اوست بر معاد که در ضمن مبارک پیروز و در حق صفت است که در است که در
رو است تفضل بعضی آیات بر بعضی دیگر و در حق اختلاف و جلال است
انوار و در بر با فتنه و در و در حق صفت است که در است که در است
و در عظم و تفضل را بنظیم و فاضل با و در کرده زیرا که فضل تفضل بعضی است
تفضل مفضل را که در است در کلام خدا و در حق این را در و در و در
این تفضل اند و در حق این عبد السلام تفضل از بعضی است بر بعضی دیگر
و حق آن که که کلام قرآن کلام خدا است که از است بر و در و در است
و در و در است و کلام بعضی از بعضی است از بعضی خدا که مثلا نفع در و
اصد ص و فاتحه و کبریا که در و در و در است از احوال و در و در است
موازی است و کبریا که در و در و در است از حدیث و در و در است
و عظمت در تفضل و در و در است با عبادت و شرف و عبادت و در است
نسبت سوره فاتحه یا سوره بقره و کذا نسبت سوره اخلاص یا سوره شمس
و در است که در است است که در است با است در است با است در است
و در است که در است است که در است با است در است با است در است
که در است با است در است با است در است با است در است با است در است

۲۸۸